رسول الله صلی الله علیه وسلم به ما دستور می داد که در مسافرت، سه شبانه روز موزه های مان را درنیاوریم؛ البته از بابت قضای حاجت و خواب، نه از بابت جنابت.

از زِرّ بن حُبَیش روایت است که می گوید: نزد صفوان بن عسّال رضی الله عنه رفتم تا از او درباره ی مسح بر موزه سؤال کنم. صفوان پرسید: چه چیزی باعث آمدن تو به اینجا شده است؟ گفتم: طلب علم. گفت: ملائکه بال های خود را برای طالبِ علم می گسترانند؛ زیرا کارش را که طلب علم است، می پسندند. گفتم: درباره ی مسح بر موزه پس از قضای حاجت، در دلم شک آمده است. تو از اصحاب رسول الله بوده ای؛ از این رو آمده ام تا از تو بپرسم آیا در این باره چیزی شنیده ای؟ پاسخ داد: آری؛ رسول الله صلی الله علیه وسلم به ما دستور می داد که در مسافرت، سه شبانه روز موزه های مان را درنیاوریم؛ البته از بابت قضای حاجت و خواب، نه از بابت جنابت. پرسیدم: آیا درباره ی محبت و میل و رغبت به کسی، چیزی از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیده ای؟ گفت: بله؛ در سفری همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم بودیم، نزد ایشان بودیم که صحرانشینی که صدای بلندی داشت، رسول الله صلی الله علیه وسلم را صدا زد و گفت: ای محمد؛ رسول الله صلی الله علیه وسلم نیز همچون او با صدای بلند فرمود: «بله؛ (من، اینجا هستم)». به صحرانشین گفتم: وای بر تو، صدایت را پایین بیاور. تو نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم هستی و از بلند کردن صدا نزد او منع شده ای. صحرانشین گفت: والله صدایم را پایین نمی آورم. و ادامه داد: شخصی عده ای را دوست دارد؛ ولی در عمل به آنان نمی رسد؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «المَرْءُ مع مَن أَحَبَّ یَومَ القِیامَةِ»: «انسان در روز قیامت با کسی خواهد بود که دوستش دارد». آنگاه رسول الله صلی الله علیه وسلم همچنان برای ما سخن گفت تا اینکه ذکری از دروازه ی مغرب به میان آورد که پهنای آن یا مسیری که یک سوارکار در عرض آن طی می کند، چهل یا هفتاد سال است. یکی از راویان به نام سفیان می گوید: این دروازه در سمت شام قرار دارد که الله متعال در روز آفرینش آسمان ها و زمین آن را آفریده و برای توبه باز است و بسته نمی شود تا آن که خورشید از آن طلوع کند.

[حسن صحیح است] [به روایت ابن ماجه - به روایت ترمذی - به روایت احمد]

زرُّ بن حبیش نزد صفوان بن عسال رضی الله عنه می رود تا از او در مورد مسح کردن بر موزه سوال کند؛ و صفوان علت آمدن وی را جویا می شود که زر می گوید: به خاطر کسب علم آمدم؛ بنابراین صفوان به وی خبر می دهد که ملائکه به نشانه ی احترام به طالب علم و رضایت از طلب علم وی، بال های خود را برای او فرش می کنند. آنگاه زر می گوید: در مورد مسح بر موزه ها بعد از ادرار یا مدفوع، دچار شک و تردید شده ام که آیا جایز است یا نه؟ لذا صفوان بن عسال رضی الله عنه برای او بیان می کند که این کار جایز است چون رسول الله صلی الله علیه وسلم آنها را امر نموده که وقتی مسافر هستند، موزه های شان را در نیاورند؛ مگر زمانی که به علت جنابت می خواهند غسل کنند که در این صورت باید موزه ها را در بیاورند. اما به هنگام وضو گرفتن در اثر ادرار یا مدفوع یا خوابیدن، جایز است که بر آن مسح کنند. سپس زر بن حبیش از صفوان بن عسال سوال می کند که آیا از رسول الله صلی الله علیه وسلم چیزی در مورد محبت و دوست داشتن شنیده است؟ که پاسخ صفوان مثبت است و داستان صحرانشینی را ذکر می کند که صدای بلندی داشته و آمده و با صدای بلند صدا زده: ای محمد؛ پس به وی گفته می شود: وای بر تو، رسول الله را با صدای بلند صدا می کنی؟ حال آنکه الله عزوجل می فرماید: «یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَکُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِیِّ وَلا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ کَجَهْرِ بَعْضِکُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُکُمْ وَأَنْتُمْ لا تَشْعُرُونَ» [حجرات: 2] «ای مؤمنان، صدای تان را از صدای پیامبر بلندتر نکنید؛ و همچنان که برخی از شما با برخی دیگر بلند سخن می گویید، با او به صدای بلند سخن نگویید. مبادا بی آنکه بدانید، اعمال تان تباه گردد». اما صحرانشینان بسیاری از آداب را نمی دانستند؛ چون به دور از شهرها زندگی می کردند و از علم و دانش به دور بودند. بنابراین رسول الله صلی الله علیه وسلم همچون صحرانشین با صدای بلند پاسخ وی را می دهد. چون رسول

الله صلی الله علیه وسلم از کامل ترین راه و روش برخوردار بود و با هر انسانی به اندازه ی عقلش رفتار می کرد؛ بنابراین رفتاری مشابه با وی دارد. سپس صحرانشین می گوید: کسی که قومی را دوست دارد اما عملی همچون آنان ندارد، با چه کسانی خواهد بود؟ آیا با آنان خواهد بود یا نه؟ و رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «انسان در روز قیامت با کسی خواهد بود که او را دوست داشته است». سپس صفوان می گوید: همواره رسول الله صلی الله علیه وسلم با ما سخن می گفت تا اینکه از دروازه ای در مغرب سخن به میان آورد که پهنای آن یا عرض آن به اندازه ی مسافتی است که سوارکاری چهل یا هفتاد سال بپیماید و در سمت شام قرار دارد؛ الله عزوجل آن را در روزی خلق نموده که آسمان ها و زمین را آفریده است و برای پذیرفتن توبه باز است تا اینکه خورشید از مغرب طلوع کند.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/4565